

همسایه‌های شما هم پلی لیست آهنگ‌های تان را می‌شناسند؟

رفقا سلام!

این شب‌ها به دنباله‌دار مهمون منظومه شمسی شده؛ رسیده نزدیک خورشید و به دلیل این نزدیکی، دم خیلی زیبایی پیدا کرده که با چشم غیر مسلح می‌تونیم ببینیمش البته تحت شرایطی خاص؛ یعنی در افق شمال‌شرقی، اون هم در صورتی که ساختمان و کوه تو مسیر دیدمون نباشه. این دنباله‌دار تا آخر هفته هر روز ساعت چهار و ربع صبح تو مشهد طلوع می‌کنه و تا وقتی خورشید بالا بیاد تو آسمون دیده میشه.

شماره پیامک ۲۰۰۰۹۹۹
شماره تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶
تلفن تحریریه ۰۵۱۳۷۳۴۰۰۰



پرونده‌های مجبوه

اتاقی که ناپدید شد!

در باره «آمبر»، منحصر به فردترین گنجینه گمشده تاریخ چه می‌دانید؟



فاطمه قاسمی | مترجم

پیش از این در باره گنج‌های پنهان و مرموز، داستان‌ها نقل کرده‌ایم اما گنجینه این هفته مجهول، یک اتاق کامل با ویژگی‌های خاص است. اتاق پرماجرای «آمبر» در کاخ «کاترین» سن پترزبورگ قرار دارد یا بهتر است بگوییم قرار داشته است. این اتاق در اوایل قرن ۱۸ در آلمان ساخته شد. جنسش از کهر با بود و در تزیینات، موزاییک‌های کف و همه لوازم موجود در آن از طلا و سنگ‌های قیمتی استفاده شده بود. هر کدام از ضلع‌های این اتاق بزرگ که به شکل مربع ساخته شده بود، حدود ۳۵ متر طول داشت و محل استراحت شخصی و گردهمایی‌های دوستانه ملکه کاترین اول بود. امروز خبری از سرنوشت واقعی آمبر در دست نیست. تاریخ‌نگاران می‌گویند اگر فهرست عجایب هفت‌گانه، هشت‌تایی بود اتاق آمبر حتما در این فهرست جای داشت.

آمبر چطور غیب شد؟

این اتاق مثل دیگر اتاق‌های کاخ‌روزگار عادی خود را می‌گذراند تا این‌که نازی‌ها در سال ۱۹۴۱ به سن پترزبورگ حمله و شروع به غارت گنجینه‌های هنری و احتمالا اتاق آمبر کردند. گفته می‌شود که نازی‌ها اتاق را با عتن سنگ کهر با تنها در چند ساعت ناپدید کردند! البته بر اساس منابع تاریخی همیشه نازی‌ها چشم‌شان به اتاق بود و بر این باور بودند که آمبر متعلق به کشور خودشان است چون ابتدا برای پادشاه آلمان ساخته شد و بعدها در سال ۱۷۱۶ به «پتر کبیر» روسیه رسید. پیش از حمله نازی‌ها، نگهبانان اتاق سعی کردند اتاق را کامل جابه‌جا کنند و به قسمتی از روسیه که احتمال رسیدن هیتلر به آن کمتر بود، ببرند اما ایده خوبی نبود چون با اولین حرکت دیوارها شروع به ریزش کردند.

بنابراین با پوشاندن دیوارها با کاغذ دیواری سعی کردند تا آن‌را یک اتاق معمولی جلوه بدهند. در نهایت نازی‌ها اتاق را پیداو آن‌را از کاخ خارج کردند. می‌گویند آن‌ها اتاق را در کشتی جاسازی و به قلعه «کونیگسبرگ» منتقل کردند. برای مخفی نگه داشتن‌اش، جواهرات را باز و در جعبه‌ای مخفی کردند. چند سال بعد که قلعه به دست روس‌ها افتاد

بالتازار

کنترل تلویزیون چطور کار می‌کند؟

مریم ملی | روزنامه‌نگار



وسیله به درد بخوری است ولی مهارت عجیبی در گم شدن دارد. اصولا همیشه وقتی می‌خواهی برنامه تلویزیونی مورد علاقه‌ات را ببینی باید دنبالش بگردی تا شبکه را عوض کنی اما در کنار این حرص در بیماری‌ها، انصافا خانه بدون آن صفاغی ندارد. تصور کنید برای هر بار زیاد کردن صدای تلویزیون یا عوض کردن شبکه قرار بود از جای تان بلند شویدی. حالا این کنترل بی‌ادما که سال‌هاست تماشای تلویزیون را برای ما ن راحت کرده‌است، چطور کار می‌کند؟ از اختراع اولین

دیدنی



اثر: سمیرا احمدی، ۱۹ ساله از تهران

آثار شما

من، مدرسه و کرونا

امیر محمد یوسفی | کلاس ششم از تربت جام



پنج شنبه هشتم اسفند ۹۸ بود و من مثل همیشه با انجام تکالیف مدرسه و نظافت شخصی، خودم را برای روز شنبه آماده می‌کردم. جمعه وقتی اعلام شد به دلیل شیوع بیماری کرونا مدرسه تعطیل است، خوشحال شدم. با خودم گفتم چند روزی استراحت می‌کنم. راستش نمی‌دانستم چه بلایی قرار است بر سرمان بیاید فقط به این فکر می‌کردم که چند روزی راحت هستم و این چند روز تبدیل شد به یک هفته، دو هفته و همین طور ادامه یافت تا تعطیلات نوروز. دو هفته اول از این که وقتم آزاد شده بود و صبح‌ها تا دیر وقت می‌خوانیدم، خوشحال بودم. بعد با افزایش ابتلا به بیماری و همه‌گیری‌اش نگران شدم و نگرانی‌ام گاهی وقت‌ها به ترس تبدیل می‌شد. ظهرها جلوی تلویزیون می‌نشستم و منتظر اخبار کرونا بودم. وقتی پدرم که کارمند بانک است از سرکار برمی‌گشت، با محلول ضد عفونی پشت در ایستاده بودم تا دستانش را تمیز کند و مواظب باشم لباس هایش را داخل حیاط در بیارود و حرکت غیر بهداشتی انجام ندهد. گاهی اوقات هم پدرم عصبانی می‌شد. با طولانی شدن تعطیلی مدرسه، نگرانی عاقبت در س و مدرسه هم به ترس از کرونا اضافه شد. گرچه از فروردین با نصیحت‌ها و تذکرات مادر، به درس و مشق برگشتم البته گمان می‌کردم چون عید اسمال اصلا مثل عید نبود نه دید و بازدید و نه مسافرتی، مامان این طوری می‌خواهد سرگرم می‌کند. بعد از تعطیلات خبر رسید که از ۲۰ فروردین مدرسه‌ها باز می‌شود ولی نشد. این‌جا بود که دیگر از تعطیلی مدرسه خوشحال نبودم. کم‌کم تمام وقتم با آموزش‌های آنلاین، مجازی و تکالیفی که معلم در گروه می‌گذاشت، پر شد. به من که به لطف مادرم با دنیای مجازی، اینترنت و گوشی بیگانه بودم، سخت می‌گذشت. اوایل حتی بلد نبودم چطور از گروه مجازی فایل آموزشی بارگذاری کنم ولی خیلی‌زود همه چیز را یاد گرفتم و تمام زحمات چندین ساله مامانم برای دور نگه داشتن من از دنیای مجازی و اینترنت بر باد رفت. این یکی از بهترین فایده‌های کرونا برای من بود. یاد می‌آید برای نصب اپلیکیشن شاد و ثبت‌نام من، مامانم خیلی اذیت شد. با اینترنت تلفن همراه مادرم نمی‌توانستم برنامه را باز کنم، پدرم گفت باید مودم بخیریم. من اصلا نمی‌دانستم مودم چی هست. مامانم مخالفت کرد و گفت ما از صبح تا ظهر اداره هستیم. دوست ندارم این بچه تمام این مدت پای لپ‌تاپ و اینترنت بنشیند. صبح‌ها مدرسه تلویزیونی و بعد از ظهرها مدرسه شاد، به این ترتیب تمام وقتم پر شد. گمان کنم وضع معلم خیلی بدتر از من بود. وقتی مدرسه باز بود، معلم فقط صبح تا ظهر درگیر آموزش بود ولی این روزها از صبح تا شب گوشی به دست و آماده به خدمت بود، حتی گاهی که بچه‌ها توی گروه دعوا می‌شان می‌شد، با میانجی‌گری و ارشاد معلم جو عوض می‌شد و فضای گروه پر می‌شد از صمیمیت و دوستی. بعد از معلم عزیزم، طفلکی مامانم! این روزها تلفن همراه مامانم شده بود گوشی من چون در س‌های من مهم‌تر بود. حتی مامانم بدون گوشی اداره می‌رفت. گاهی اوقات هم از مسئولان بالادستی زنگ می‌زدند و با مامانم کار داشتند و من مجبور بودم بگم: «مامانم گوشی‌شو جا گذاشتند». بعد از این همه تجربه‌های جدیدی که کرونا برای من رقم زد، بالاخره سال تحصیلی تمام شد ولی کرونا تمام نشد. این قصه همچنان ادامه دارد؛ نه سالن ورزشی، نه استخری و نه هیچ چیز دیگر. سال تحصیلی جدید هم که خدا به‌خیر کند ولی مطمئنم به یاری خداوند این دوران به پایان خواهد رسید.

سرگرمی

ایراد این ۲ تصویر چیست؟



منبع: Brightside



سینما، همین دوروبر!

تا حالا شده صحنه‌هایی از فیلم‌های مورد علاقه‌تان را توی ذهن‌تان بازسازی کنید یا مثلا آن‌ها را در اتفاقات و اشیای اطراف‌تان ببینید؟ یک هنرمند جوان این کار را خیلی خوب بلد است. او در صفحه اینستاگرامش به آدرس «paperboy» با این توضیح «با من چیزها را متفاوت ببین» حاصل این نگاه خلاقانه را با دیگران به اشتراک می‌گذارد. چندتا از کارهایش را با هم ببینیم.

